

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران؛ میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ •
نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ •
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز
نوبن • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت

چهارشنبه ۱۲ دیبهبشت ۱۴۰۵ • ۴ ذی‌القعده ۱۴۴۷ • ۲۲ آوریل ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۶۶ • صفحه ۸

اذان ظهرتهران ۱۲:۰۳ • اذان مغرب ۱۹:۰۲ • اذان صبح فردا ۵:۵۱ • طلوع آفتاب ۵:۲۲

www.sharghdaily.com



aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

اینترنت ویژه علیه امنیت ملی



علی اصغرسیدآبادی

است که بشود با بخش‌نامه آنان را از اینستاگرام به اپتا هدایت کرد. تازه کارمندان ادارات هم این‌قدر مطیع نیستند. اگر کسانی که به اینترنت طبقاتی دسترسی دارند بخواهند از اینترنتشان در امور کسب و کارشان استفاده کنند، شبیه فروشگاه‌دارانی خواهند بود که در مرکز خریدی کار می‌کنند که درش بسته است. منطق این تصمیم نامفهوم است، اما این تصمیم با هر منطقی، تبعیضی است آشکار به نفع عده‌ای معدود از قشربرخوردار و اپراتورها. آنچه دردی‌ماه سال ۱۴۰۴ حرقه اعتراضات را زد، دشواری معیشت بود، نه اینترنت. حالا پس از آن، جناب‌های جنگی در نابودی زیرساخت‌ها نه‌تنها به بیکاری مستقیم بسیاری انجامیده است که بسیاری از کارخانه‌ها را که وابسته به مواد اولیه تولیدی بودند نیز تعطیل کرده است. آنچه امنیت ملی را به خطر می‌اندازد، لشکر بیگارانی است که اسفند و فروردین را به‌سختی گذرانده‌اند و در آردیبهشت فشار زندگی مستاصل خواهد کرد و در کنار لشکر بیگارانی که با مشاغل اینترنتی روزگار می‌گذرانند، با اینترنت تأثیری مستقیم و غیرمستقیم برکارشان دارد و از دی‌ماه به این روز افتاده‌اند، انبوه خواهند شد. بسیاری از

تاریخ‌خوانی

از سقوط اصفهان تا فتح دهلی



علی مرسلی

فتح اصفهان توسط محمود افغان از دودمان هوتکی در ۱۷۲۲ اتفاق افتاد. شاه سلطان حسین صفوی تاج را تسلیم کرد و سلسله صفوی عملا فروپاشید. به این ترتیب، اولین امپراتوری شیعه اثنی‌عشری در ایران که سال‌ها در اوج بود و نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌رفت، سقوط کرد. فتح دهلی توسط نادرشاه افشار در ۱۷۳۹ اتفاق افتاد. نادر امپراتور مغول محمدشاه را که وارث قرن‌ها امپراتوری مقتدری در شرق ایران بود، شکست داد، کشتار بزرگی در دهلی به راه انداخت و تخت طاووس و کوه نور را با خود به ایران برد. مقایسه این دو تاریخ نکته جالبی را نشان می‌دهد. فاصله زمانی آن دو رویداد تنها ۱۷ سال است. در این ۱۷ سال، اتفاقات بسیار پرتلاطمی در ایران افتاد: سقوط صفویه، دوران کوتاه افغان‌ها، ظهور نادر، بازپس‌گیری اصفهان، صعود نادر به قدرت و سرانجام شکست‌دادن امپراتوری بزرگ شرقی. اگر سرعت سیر وقایع را با مقیاس زمان آن دوران بسنجیم که از خراسان تا اصفهان و از اصفهان تا دهلی لشکرکشی چند ماه زمان می‌برد، این سرعت به‌شدت باورنکردنی است و فاصله میان حضیض و اوج بسیار کوتاه. شرایط امروز ما البته تناسبی با دوران صفوی و افشاری ندارد، ولی یک برداشت از این تصویر تاریخی می‌توان کرد: سرعت تغییرات در این سرزمین می‌تواند از پیش‌بینی‌های ما پیشی بگیرد. کودکی که در روزهای سقوط اصفهان در کوچه‌های این شهر بازی می‌کرده، احتمالا همان سربازی بوده که ۱۷ سال بعد هندی‌ها را در کوچه‌های دهلی از دم تیغ می‌گذرانان است. کودکان امروز الزاما قرار نیست جوانی‌شان را هم در فضایی که ما دیدیم و تجربه کردیم، بگذرانند.

خارجی‌خوانی

مدیرعامل جدید اپل کیست؟

پس از اعلام خیر کناره‌گیری «تیم کوک» از مدیرعاملی «اپل» و جانشینی «جان ترنوس»، پرسیدن این سؤال بدیهی است که ترنوس کیست و چه دستاوردهایی دارد. به گزارش ایسنا، «تیم کوک» پس از ۱۵ سال اعلام کرد که قصد دارد از مدیرعاملی اپل کناره‌گیری و این سمت را به «جان ترنوس»، معاون ارشد مهندسی سخت‌افزار این شرکت، واگذار کند. از اول سپتامبر، ترنوس رهبری یکی از ارزشمندترین شرکت‌های جهان را برعهده خواهد گرفت. ترنوس تقریبا نیمی از عمر خود را در اپل کار کرده است. او اکنون ۵۱ سال دارد و ۲۵ سال است که در این شرکت کار می‌کند.

خبر

به همت بنیاد مودت
و به یاد شهدای رمضان شیراز برگزار شد «فقتوس» از خاکستر پرخاست

پرفورمنس «فقتوس» واکنش عادل یزدی، هنرمند نقاش و مجسمه‌ساز شیرازی، به حوادث اخیر و شهدادت مظلومانه مردم زیباشهر شیراز در طول جنگ اخیر است. «یزدی» پسر او ۲۰۰ کیوتر فلزی را به نیت ۲۰۰ شهید دفاع مقدس اخیر شیراز روی بدنه اتوبوس شهری مورد اصابت قرارگرفته نقش زد تا به زبان هنر بگوید که «دوباره وطن‌مان را می‌سازیم». کیوتران فلزی در تاریخ هنر شیراز نمادی از ایستادگی و جاودانگی هستند.



به طنز می‌گویند جامعه‌شناسی پس از مدت‌ها تحقیق در زمینه علل طلاق و گفت‌وگوهای بسیار با افراد طلاق گرفته به نتیجه‌ای شگفت‌انگیز رسید: عامل اصلی طلاق، ازدواج است. حالا حکایت تصمیم‌گیران اینترنت درباره تأثیر آن در شکل‌گیری و سازماندهی اعتراضات است. آنان به‌جای ریشه‌یابی در دلایل، علل و عوامل اعتراضات و رفع آنها، یکی از ابزارهای فرعی را به‌جای اصل و اساس گرفته‌اند و چنین وانمود می‌کنند که قطعی اینترنت در ۱۸ و ۱۹ دی به اعتراضات پایان داد، در حالی که برهان قاطع در فرونشاندن اعتراضات چیزی دیگر بود. طرchi که اخیرا گفته می‌شود مصوبه برخی نهادها را برای اجرا گرفته است تا اینترنت نسبتا بی‌فیلتر را با شرایطی در اختیار برخی کسب و کارها و افراد قرار دهند، جز تبعیض برای برخی کاربران و درآمدی هنگفت برای اپراتورها هیچ فایده‌ای در کنشایش اینترنت و جلب رضایت مردم ندارد. قطع اینترنت به این دلیل امنیت ملی را به خطر نینداخته است که اقلیتی برخوردار به اینترنت دسترسی ندارند. افراد برخوردار به طرق گوناگون دسترسی‌شان به اینترنت با سختی فراهم می‌شد و خواهد شد. آنچه موضوع امنیت ملی است، از هم پاشیدن بازاری نسبتا بزرگ است که کسب و کارهای خرد و متوسط دره‌دره در طول سه دهه ساخته بودند و حواله‌دادن آنان به سکوهای داخلی و شروع از صفر در فضایی نامناسب. زیست‌بوم هیچ کسب و کاری بدون حضور بازار عرضه و مشتریان کالاها و خدمات زنده نخواهد بود. کسب و کارها در طول سالیان موفق به جذب مشتری وفادار می‌شوند و تصمیم‌گیران نشان داده‌اند تقریبا هیچ تصویری از این موضوع ندارند و خیال می‌کنند مشتری هم کارمند اداره

حقوق خوانی

نقش دکتر ناصر کاتوزیان در دفاع از حقوق شهروندان



ابراهیم یوبویی

وکیل دادگستری

نص قانون اساسی تفسیر کند. یا باید این لغت «مسئولیت» را از قانون اساسی بردارند یا باید لوازم آن را هم بدهند». دکتر امیرحسین آبادی، از شاگردان و دوستان نزدیک استاد، خاطراتی را از حضور و سخنرانی او در جمع قضات دادگستری در سال ۱۳۵۲ این‌گونه روایت می‌کنند: «...جلسه تشکیل شد و ضمن بحث‌ها صحبت از نظر قانون‌گذار، هدف قانون‌گذار و… به میان آمد. استاد فرمودند فرض بر این است که قانون‌گذار آگاه به امور است، کاری نامعقول و غیرمنطقی از او سر نمی‌زند، اما شما این فرض را خیلی جدی بگیرید و جای تأمل در آن بگذارید»؛ که اشاره‌ای به پیش‌فرض‌های محتاطانه جامعه حقوقی دارد. متأسفانه امروزه شکیبایی نسل جدید برای رسیدن به رفاه مادی کم است و بیشتر جوانان به دنبال انتقال محل اشتغال به پایتخت و رسیدن زود هنگام به خواسته‌های خود هستند. (کتاب «از کجا آدم‌ام، آدم‌نم بهر چه بود؟»). این روزها مقامات قضائی از توقیف اموال چهره‌های مشهور ورزشی و هنری خبر داده‌اند. در اینکه هم‌صدایی با مهاجمان به میهن قبیح است و اگر عمل مجرمانه‌ای

نگاه

هنر ادامه‌دادن در شرایط بحرانی



فاصله امن از آن تعادل برقرار کنند، گام مهمی در بازسازی سرمایه روانی-اجتماعی برداشته‌اند.

آنچه اهمیت دارد «ادامه‌دادن در حوزه فرهنگ و کار فرهنگی» است؛ چیزی که شاید بتوان گفت شیدا در حوزه نمایش خانگی پیشرو آن شده و دیگر پلتفرم‌ها نیز به دنبال آن حرکت کرده‌اند. اما باید دید چقدر از آثار ارائه‌شده به دنبال سید تجاری است و چقدر بازتاب وضع موجود.

یادداشت

رسانه ملی

یا رسانه یک جریان؟

مهران امیرحسینی

مدرس دانشگاه

صداوسیما امروز با بحرانی عمیق‌تر از آنچه به نظر می‌رسد، روبه‌رو است؛ بحران از دست دادن مرجعیت رسانه‌ای. این سازمان نه‌تنها بخششی از مخاطبان خود را از دست داده، بلکه مهم‌تر از آن، جایگاه خود به‌عنوان «مرجع قابل اعتماد روایت» را نیز تضعیف کرده است. رسانه‌ای که روزگاری روایت اول بسیاری از وقایع برای مردم بود، امروز برای بخش درخور توجهی از جامعه به‌ویژه نسل جوان دیگر انتخاب اول نیست. این تغییر صرفا نتیجه گسترش فضای مجازی یا ظهور رسانه‌های جدید نیست. ریشه مسئله را باید در نوع مواجهه صداوسیما با واقعیت جست‌وجو کرد. مخاطب امروز، بیش از هر زمان دیگری به صداقت در روایت حساس است. هرچا احساس کند میان آنچه می‌بیند و آنچه از رسانه رسمی می‌شود، فاصله وجود دارد، اعتمادش را پس می‌گیرد و اعتماد، مهم‌ترین سرمایه یک رسانه است. در سال‌های اخیر، در برخی رخدادهای اجتماعی و بزنگاه‌های حساس، این فاصله به‌وضوح دیده شده است. در موقعیت‌هایی که افکار عمومی نیازمند روایت سریع، دقیق و قابل اتکا بوده، یا تأخیر رخ داده یا روایت‌ها به گونه‌ای ارائه شده که نتوانسته‌اند با ادراک عمومی همخوانی پیدا کنند. نتیجه، چیزی جز واگذاری میدان روایت نبوده است. اما شاید مهم‌ترین مسئله، تغییر ماهیت تدریجی صداوسیما باشد. رسانه‌ای که باید بازتاب‌دهنده تنوع صداها در جامعه باشد، به‌تدریج به رسانه‌ای با یک قرأت خاص تبدیل شده است. مسئله صداوسیما کمبود صدا نیست؛ بلکه حذف صداهای دیگر است.

بی‌اعتمادی به رسانه ملی، خطرناک‌تر از کم‌مخاطب‌شدن آن است، اما مخاطب بی‌پناه در روایت، انتخاب‌های محدودی دارد. رسانه‌ای که به جای نگه‌داشتن مخاطب، او را به سمت منابع دیگر هل می‌دهد، عملا در حال تضعیف خود و درعین‌حال در معرض قرار‌دادن جامعه در برابر روایت‌های بیرونی است. این روند اگر اصلاح نشود، می‌تواند شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر کند و جامعه را در برابر بحران‌های روایی آسیب‌پذیرتر کند.

پرسش مهم این است؛ چگونه سازمانی با این حجم از امکانات، نیروی انسانی و پوشش گسترده، بازی را به رسانه‌هایی کوچک‌تر با سرمایه و پشتیبانی کمتر واگذار کرده است؟ پاسخ را باید در دو سطح دید: ساختار و محتوا. در سطح ساختاری، انحصار و نبود رقابت، به‌سرور منجر به کاهش پویایی شده است. رسانه‌ای که خود را بی‌رقیب بداند، کمتر به اصلاح خود تن می‌دهد. نبود پاسخ‌گویی مؤثر و ضعف در سازوکارهای بازخوردگیری از جامعه نیز این وضعیت را تشدید کرده است.

در سطح محتوایی، مشکل به نوع روایت بازمی‌گردد. روایت‌هایی که به‌جای بازتاب واقعیت پیچیده جامعه، از چارچوب‌های محدود و از پیش تعیین‌شده شکل می‌گیرند. نتیجه این رویکرد، شکافی است میان «واقعیت اجتماعی» و «روایت رسمی»؛ شکافی که هر روز عمیق‌تر شده است. دراین‌میان نباید از ظرفیت‌های صداوسیما غافل شد. این سازمان همچنان از زیرساخت گسترده، نیروی انسانی حرفه‌ای و دسترسی فراگیر برخوردار است. مسئله، ناتوانی نیست؛ بلکه فاصله‌گرفتن از مأموریت اصلی است. اگر این جهت‌گیری اصلاح شود، امکان بازگشت نیز وجود دارد. اما این بازگشت، بدون یک تغییر جدی در نگاه، ممکن نیست. رسانه‌ای که واقعیت را نادیده بگیرد، دیر یا زود توسط واقعیت نادیده گرفته می‌شود. صداوسیما اگر می‌خواهد جایگاه خود را بازباید، باید از یک «روایت‌ساز یک‌سویه» به یک «میدان باز گفت‌وگو» تبدیل شود؛ جایی که صداهای مختلف منتقد شنیده شوند. امروز جامعه ایران تغییر کرده است. نسل جدید، با منطق رسانه‌ای متفاوتی زندگی می‌کند. او انتخاب دارد، مقایسه می‌کند و به‌سادگی قانع نمی‌شود. نمی‌توان با الگوهای قدیمی، با چنین مخاطبی ارتباط برقرار کرد. در نهایت، تغییر مدیریت اگر رخ دهد، می‌تواند آغاز باشد، اما کافی نیست. آنچه ضرورت دارد، بازتعریف نسبت صداوسیما با «ملت» است. این سازمان باید تصمیم بگیرد؛ رسانه‌ای برای همه باشد یا تنها برای یک جریان؟

اگر قرار است «ملی» بماند، راهی جز بازگشت به مردم ندارد. و این بازگشت، نه در شعار، بلکه در عمل معنا پیدا می‌کند.